



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

تحلیل مضامین اخلاقی در دیوان ناصر خسرو

توسط :

لطیف درویشی

استاد راهنما:

آقای دکتر نجف جوکار

اسفند ماه ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

تحلیل مضامین اخلاقی در دیوان ناصر خسرو

به وسیله ی:

لطیف درویشی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی
از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی:

زبان و ادبیات فارسی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

دکتر نجف جوکار دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی (رئیس کمیته).....

دکتر زهرا ریاحی زمین دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی.....

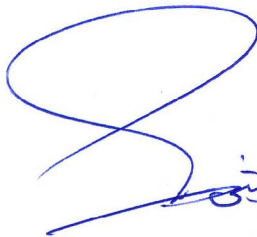
دکتر زرین واردی استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی.....

اسفند ماه ۱۳۸۸

به نام خدا

اظهار نامه

اینجانب لطیف درویشی (۸۵۰۲۱۰) دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی اظهار می‌کنم که این پایان نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظهار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.



نام و نام خانوادگی: لطیف درویشی

تاریخ و امضا: ۱۳۸۹، ۲، ۱۸

تقدیم :

به پیشگاه مقدس احیاگر فضایل امام منتظران ولی عصر (عج) و هدیه به روح بلند و ملکوتی مجدد اسلام ناب، امام خمینی (ره) و رهروان راستین آن حضرت بویژه ایثارگرانی که با فداکاریهای خود، فضای ایران اسلامی را عطرآگین کرده و زمینه رشد و تعالی جامعه را فراهم ساختند.

تقدیم به پدر و مادر و همسر که با بردباری خویش در همه ی مقاطع تحصیلی بویژه ایام دانشجویی، همه ی کمبودها را تحمل کردند و در برابر مشکلات همراه، پشتیبان و دعاگویم بودند.

سپاسگزاری

سپاس و ستایش بی حد خداوندی را که خود را به ما شناساند و شکر نعمت های خود را به ما الهام فرمود و انبیا و اولیای خود را وسیله هدایت و راهنمای ما قرار داد که اگر هدایت او نبود هرگز به مسیر هدایت ره نمی یافتیم.

از آنجا که طبق فرمایش پیامبر اکرم (ص): لایشکرالله من لایشکر الناس^(۱) بر خود فرض می دانم تا از رهنمودها و روشنگریهای استادان ارجمندم که در نگارش و اتمام این پایان نامه مرهون راهنماییها و مساعدتهای ایشان بوده ام قدردانی و سپاسگزاری کنم:

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر نجف جوکار که سالها در سایه عنایت ایشان بوده ام و در این رساله نیز با سعه ی صدر و صرف وقت بر اشکالات آن انگشت دقت نهاده و در رفع آنها راهنمایی ام کرده اند.

استادان گرامی سرکارخانم دکتر زهرا ریاحی زمین و سرکارخانم دکتر زرین واردی که در طی این تحقیق از رهنمودها و مشاوره های ارزشمند ایشان سود جسته ام و آنان نیز با صرف وقت و مطالعه این رساله نظرات سازنده خویش را ارائه فرمودند.

برای این عزیزان و همه ی استادان محترم بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز که در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد از محضر گرانقدر ایشان استفاده ها کرده و بهره مند گردیده ام، از خدای بزرگ طول عمر، توفیق مستمر، برکت وقت، عافیت و حسن عاقبت آرزومندم.

¹ - شیخ صدوق، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۳۱۸

چکیده

تحلیل مضامین اخلاقی در دیوان ناصر خسرو

به وسیله ی :

لطیف درویشی

دیوان اشعار ناصر خسرو از جمله آثاری است که همه ی ابعاد آن به تمامی پژوهش نگردیده است؛ از جمله موضوعهایی که مورد بررسی قرار نگرفته یا بگونه ای محدود و گذرا مطرح شده است، موضوع « مضامین اخلاقی در دیوان ناصر خسرو » است، بنابراین هدف این تحقیق ارائه تصویری جامع از مضامین اخلاقی دیوان ناصر خسرو است. به عنوان درآمدی بر مباحث تحقیق ابتدا در فصل اول به اختصار در خصوص مبانی علم اخلاق و مفاهیم کلی آن و عمده مکاتب اخلاقی، اهمیت، اهداف، پیشینه و روش تحقیق توضیحاتی ارائه شده است. سپس در فصل دوم به منابع اخلاقی ناصر خسرو که عبارتند از افکار و احوال بزرگان ایران باستان، اقوال فلاسفه و حکما، متون دینی، روش صوفیه و زهاد اسلام و تعالیم مذهب اسماعیلیه اشاره شده است. و در فصل سوم فلسفه اخلاقی او و اصول آن که شامل خودشناسی، خداشناسی، دانایی محوری، خردگرایی، معاد شناسی، دنیا شناسی، و ... بیان گردیده است. در فصل چهارم استفاده از آیات قرآنی و مفاهیم مذهبی، بیان استدلالی، بیان انتقادی، بهره گیری از آرایه های ادبی چون تشبیه، تلمیح، انواع جناس، تضاد، توازن، ارسال مثل و مراعات النظیر، استفاده از روش مقایسه، بیان رزمی و استفهام به عنوان روش ناصر خسرو در بیان آموزه های اخلاقی شمرده شده است. در فصل پنجم به تحلیل مضامین اخلاقی در دیوان ناصر خسرو و ذکر شواهدی از هر مضمون اقدام شده است. و در فصل ششم (نتیجه گیری) بیان گردیده که ناصر خسرو به عنوان مبلغ اسماعیلیه یکی از روشهای اصلاح جامعه خود را آگاهی بخشی و تبیین فضایل و رذایل اخلاقی می داند، و به همین منظور در اکثر قصاید خود ضمن تاکید بر دانش اندوزی و خردگرایی مخاطب را به کسب فضایل و دوری از رذایل تشویق و ترغیب نموده است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فهرست نشانه های اختصاری.....	ی
فصل اول: مقدمه و کلیات	
۱- مقدمه.....	۲
۲-۱- کلیات.....	۶
۱-۲-۱- مبانی علم اخلاق.....	۶
۱-۱-۲-۱- مفهوم لغوی واژه اخلاق.....	۶
۲-۱-۲-۱- تعریف علم اخلاق.....	۷
۱-۲-۱-۳- تفاوت علم اخلاق با فلسفه اخلاق.....	۷
۱-۲-۱-۴- فعل طبیعی و فعل اخلاقی.....	۸
۱-۲-۱-۵- تغییر پذیری اخلاق.....	۹
۱-۲-۱-۶- رابطه اخلاق و دین.....	۹
۱-۲-۱-۷- رابطه اخلاق و عرفان اسلامی.....	۹
۱-۲-۱-۸- شیوه های نگارش متون اخلاقی.....	۱۰
۱-۲-۱-۸-۱- اخلاق فلسفی.....	۱۰
۱-۲-۱-۸-۲- اخلاق عرفانی.....	۱۱
۱-۲-۱-۸-۳- اخلاق دینی.....	۱۲
۱-۲-۱-۹- مکاتب اخلاقی.....	۱۳
۱-۳-۱- اهمیت تحقیق.....	۱۸
۱-۴-۱- اهداف تحقیق.....	۱۹
۱-۵-۱- پیشینه تحقیق.....	۲۰
۱-۶-۱- روش تحقیق.....	۲۱
فصل دوم: منابع اخلاقی ناصر خسرو	
۱-۲-۱- افکار و احوال بزرگان ایران.....	۲۳
۲-۲-۱- اقوال و افکار فلاسفه یونان و حکمای اسلامی.....	۲۵

۲۶	۳-۲- متون دینی.....
۳۰	۴-۲- روش صوفیه و زهاد اسلام.....
۳۱	۵-۲- تعالیم مذهب اسماعیلیه.....
فصل سوم : فلسفه ی اخلاقی ناصر خسرو	
۳۴	۱-۳- مقدمه ای بر فلسفه ی اخلاقی ناصر خسرو.....
۳۵	۲-۳- اصول فلسفه اخلاقی ناصر خسرو
۳۵	۱-۲-۳- خودشناسی.....
۳۶	۲-۲-۳- خدانشناسی.....
۳۷	۳-۲-۳- کسب علم و دانایی محوری.....
۳۸	۴-۲-۳- عمل به علم
۴۰	۵-۲-۳- خرد گرایی.....
۴۲	۶-۲-۳- معاد شناسی.....
۴۵	۷-۲-۳- دنیا شناسی
۴۶	۱-۷-۲-۳- توصیف دنیا.....
۴۷	۲-۷-۲-۳- فریبندگی دنیا
۴۹	۳-۷-۲-۳- ناپایداری جهان.....
۵۰	۴-۷-۲-۳- تقابل دنیا و دین
۵۲	۵-۷-۲-۳- دنیا کشتزار آخرت.....
۵۵	۸-۲-۳- اعتدال ورزی و میانه روی
۵۶	۱-۸-۲-۳- رعایت اعتدال در کارها.....
۵۷	۹-۲-۳- اهمیت سخن.....
۵۷	۱-۹-۲-۳- ارزش و فضیلت سخن
۵۹	۲-۹-۲-۳- مقایسه انواع سخن
۵۹	۳-۹-۲-۳- آداب سخن و ویژگی های سخن نیک.....
۶۰	۴-۹-۲-۳- پرهیز از سخن لغو.....
۶۱	۵-۹-۲-۳- هماهنگی سخن با عمل.....
۶۲	۱۰-۲-۳- تاثیر همنشین.....
۶۳	۱-۱۰-۲-۳- شرایط انتخاب همنشین.....
۶۵	۲-۱۰-۲-۳- نتیجه ی معاشرت با نیکان.....
۶۵	۳-۱۰-۲-۳- همنشینان بد.....
۶۹	۲-۱۰-۲-۳- نتیجه مجالست با همنشین بد.....

فصل چهارم: روش ناصر خسرو در بیان مسائل اخلاقی

- ۱-۴- استفاده از آیات قرآنی و مفاهیم مذهبی ۷۱
- ۲-۴- استفاده از بیان استدلالی ۷۴
- ۳-۴- استفاده از بیان انتقادی ۷۷
- ۴-۴- بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی ۸۱
- ۱-۴-۴- تشبیه ۸۱
- ۲-۴-۴- تلمیح ۸۲
- ۳-۴-۴- انواع جناس ۸۵
- ۴-۴-۴- تضاد ۸۶
- ۴-۴-۵- توازن ۸۷
- ۴-۴-۶- ارسال مثل ۸۸
- ۴-۴-۷- مراعات النظیر ۸۹
- ۴-۴-۵- استفاده از روش مقایسه ۸۹
- ۴-۴-۶- استفاده از بیان رزمی - حماسی ۹۰
- ۴-۴-۷- استفاده از روش استفهام ۹۲

فصل پنجم: بررسی و تحلیل مضامین اخلاقی در دیوان ناصر خسرو

- ۱-۵- تعریف فضائل و رذائل اخلاقی ۹۶
- ۲-۵- فضایل و رذایل در دیوان ناصر خسرو ۹۷
- ۱-۲-۵- فضایل فردی ۹۷
- ۲-۵-۱-۱- خرد ورزی و تفکر ۹۸
- ۲-۵-۱-۲- دانایی ۱۰۲
- ۲-۵-۱-۳- محاسبه، مراقبه و مبارزه با نفس ۱۰۵
- ۲-۵-۱-۴- طاعت و بندگی خدا ۱۰۷
- ۲-۵-۱-۵- توبه ۱۱۰
- ۲-۵-۱-۶- زهد ۱۱۳
- ۲-۵-۱-۷- قناعت و خرسندی ۱۱۴
- ۲-۵-۱-۸- خاموشی و کم‌گویی ۱۱۵
- ۲-۵-۱-۹- سعی و کوشش ۱۱۶
- ۲-۵-۱-۱۰- صبر و شکیبایی ۱۱۸
- ۲-۵-۱-۱۱- پرهیزگاری ۱۲۰
- ۲-۵-۱-۱۲- شکر ۱۲۲

۱۲۴۱۳-۱-۲-۵- هشپاری و بیداری
۱۲۶۱۴-۱-۲-۵- عبرت آموزی و پند پذیری
۱۲۹۲-۲-۵- فضایل اخلاقی اجتماعی
۱۲۹۱-۲-۲-۵- عدل و داد
۱۳۲۲-۲-۲-۵- نیکخویی
۱۳۴۳-۲-۲-۵- کم آزاری
۱۳۵۴-۲-۲-۵- سخاوت و کرم
۱۳۷۵-۲-۲-۵- احسان و نیکی
۱۳۹۶-۲-۲-۵- مدارا
۱۴۱۷-۲-۲-۵- صداقت و راستگویی
۱۴۲۸-۲-۲-۵- میانه روی و اعتدال
۱۴۴۹-۲-۲-۵- حیا و شرم
۱۴۶۱۰-۲-۲-۵- پیروی نیکان
۱۴۷۱۱-۲-۲-۵- مدح شایستگان
۱۴۹۳-۲-۵- رذایل فردی
۱۴۹۱-۳-۲-۵- جهل
۱۵۲۲-۳-۲-۵- گناه و معصیت
۱۵۵۳-۳-۲-۵- هوا پرستی
۱۵۷۴-۳-۲-۵- دنیا طلبی
۱۵۸۵-۳-۲-۵- تن پروری و راحت طلبی
۱۶۱۶-۳-۲-۵- غفلت
۱۶۳۴-۲-۵- رذایل اخلاقی اجتماعی
۱۶۳۱-۴-۲-۵- پیروی شیطان و گمراهان
۱۶۴۲-۴-۲-۵- حسد
۱۶۶۳-۴-۲-۵- تکبر و عجب
۱۶۸۴-۴-۲-۵- مکر و حيله
۱۷۰۵-۴-۲-۵- جفا پیشگی و ستمکاری
۱۷۲۶-۴-۲-۵- بد خوئی
۱۷۳۷-۴-۲-۵- کینه ورزی
۱۷۴۸-۴-۲-۵- بخل و مال دوستی
۱۷۷۹-۴-۲-۵- آز و حرص و طمع

۱۸۰ ۱۰-۴-۲-۵ نفاق و ریاکاری
۱۸۲ ۱۱-۴-۲-۵ دروغ
۱۸۴ ۱۲-۴-۲-۵ بیهوده گویی
۱۸۶ ۱۳-۴-۲-۵ تملق و چاپلوسی
۱۸۸ ۱۴-۳-۲-۵ خواری و ذلت پذیری

فصل ششم : نتیجه گیری

۱۹۱ نتیجه گیری
۱۹۳ فهرست منابع
۱۹۸ پیوست ها
۱۹۹ نمایه آیات
۲۰۲ نمایه روایات
۲۰۶ نمایه مضامین اخلاقی در دیوان ناصر خسرو

شرح نشانه های اختصاری

- / : برای جدا کردن شماره ی آیات از سور و همچنین در مورد تفکیک شماره ابیات از قصاید
- ب: اشاره به بیت در قصیده مورد نظر دارد
- ج : اشاره به جلد متن مورد نظر دارد
- ر.ک. : رجوع کنید
- ش: سال شمسی .
- ص: بیانگر صفحه در متن مورد نظر است.
- صص : بیانگر صفحات در متن مورد نظر است.
- ق : سال قمری .
- قص: اشاره به قصیده مورد نظر در دیوان ناصر خسرو دارد.
- م: ملحقات دیوان .

فصل اول:
مقدمه و کلیات

فصل اول : مقدمه و کلیات

۱- مقدمه

اخلاق از آغاز آشنایی انسان با علم و حکمت به عنوان یکی از با ارزش ترین علوم خود را نشان داده است و افراد و مکتب های گوناگونی، با توجه به علاقه و عطش بشر برای رسیدن به سعادت، به این عرصه وارد شده اند و هر یک برای رسیدن به سعادت ، با توجه به نوع نگرش خود به انسان و جهان ، مکتبی و روشی را به جامعه ی بشری ارائه کرده اند.

اما سیر در چه طریقی موجب وصول به سعادت است ؟ آیا مکاتب بشری قادرند این مهم را به انجام برسانند ؟ یا اینکه بشر برای رسیدن به خوشبختی محتاج پیروی از تعالیم الهی است . و آیا همه ی مکاتب آسمانی موجود می توانند موجب سعادت کامل و حقیقی انسان شوند. ؟

در پاسخ به این پرسشها باید گفت که مکاتب بشری ، به دلیل ضعف معرفتی و عدم شناخت جامع از انسان و جهان، در هدایت و راهنمایی بشر ناتوانند ؛ زیرا هر یک به بخشی از حقیقت اشاره کرده و اشراف معرفتی بر ساحت وجودی انسان ندارند ؛ چرا که از دیدگاه برخی افزایش آگاهی و علم موجب سعادت است ، گروهی نظریه عاطفی را مطرح می کنند، برخی پیروی از احکام وجدان را یگانه راه سعادت می دانند و بعضی نظریه زیبایی را ارائه کرده و معتقدند باید ذوق زیبایی شناسی بشر را تقویت کرد تا زیبایی و زشتی اعمال را درک کند و با انجام کارهایی که باطن زیبایی دارند به کمال و سعادت حقیقی نائل شود.

برخی از مکاتب آسمانی مانند ادیان یهودی و مسیحی نیز دچار تحریف شده اند و تنها به یک بعد بشر ، رابطه انسان با خدا و اخلاق فردی، توجه دارند و در زمینه مسائل اخلاق اجتماعی پاسخگوی نیازهای گوناگون جامعه انسانی نیستند ، بر همین اساس به علت عدم جامعیت این ادیان پیروی از این مکاتب نیز باعث سعادت حقیقی نمی شود.

اما در این میان مکتب الهی اسلام در ادامه ی خط سیر تعالیم مقدس آسمانی به دلیل نگرش کامل و همه جانبه به حیات و انسان، تمامی نیازهای مادی و معنوی فرد و جامعه را در

نظر دارد و کامل ترین مکتب انسان سازی و اخلاقی است که پیروی از تعالیم آن وصول به سعادت حقیقی را هموار می کند . « از میان تمام مذاهب تاریخ ، اسلام این ویژگی را دارد که تنها به ترتیب رابطه انسان با خدا و تزکیه نفس (چون بودیسم و مسیحیت) اختصار نمی کند و از جهان بینی فلسفی گرفته تا شیوه زندگی فردی ، خود را به صورت یک مکتب جامع دارای ابعاد گوناگون اعلام می کند .» (رزمجو ، ۱۳۶۹، ص ۳۶) بنابراین اخلاق در حوزه اندیشه اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردارست ؛ به گونه ای که اگر ما در آیات قرآن کریم دقت کنیم ، خواهیم یافت که از ابتدا تا انتهای قرآن سوره به سوره و صفحه به صفحه به مکارم اخلاقی و حسنات نفسانی اشاره شده و شمار روایات هم در این زمینه به اندازه ای است که از مجموع آنها کتاب ها به وجود آمده است .

«بخش بزرگی از قرآن مجید در باره ی بنیاد ها و وجوه اخلاق است: اعم از اخلاق پسندیده ، هم چون احسان، تقوا، عفو، شکر و مانند آن ، که به آنها سفارش شده است، یا اخلاق نکوهیده ، هم چون بخل، ریاکاری ، حرص، ناسپاسی و ... که از آنها نهی شده است.» (شعار، ۱۳۶۴، ص ۱۱) هدفی که اخلاق اسلامی دنبال می کند طبق تعالیم قرآن ، همان تشبه به صفات خدا و تخلق به اخلاق الهی است. در واقع این تخلق به اخلاق الله، که موجب تقرب به خداست، سعادت حقیقی انسان می باشد. «آرمان های قرآن این است که نظام اجتماعی پی افکند که نمونه اعتدال و استقامت باشد و از هر افراط و تفریطی بپرهیزد.» (میان محمد، ۱۳۶۲، ص ۲۲۳) در پی گسترش این فرهنگ متعالی و برای دستیابی به این اهداف بلند است که اندیشمندان اسلامی خود را موظف می دانند تا نسبت به بررسی و تبیین این موضوع اقدام نمایند و نتیجه این تلاشها پیدایش آثاری گران سنگ در موضوعات اخلاقی در قالب متون نظم و نثر می باشد .

بنابراین باتوجه به اهمیت اخلاق در همه دوره ها و سبک های ادبی و گستردگی مفاهیم آن، یکی از موضوعات پرکاربرد در ادبیات از دیرباز تاکنون اخلاق می باشد که موجب غنای متون ادبی از لحاظ معنی و محتوا گردیده است و باعث پیدایش آثاری ارزشمند و متنوع در حوزه ادبیات بویژه نوع تعلیمی آن اعم از نظم و نثر شده است.

از سوی دیگر نیز متون و قالبهای ادبی به علت تاثیر گذاری بیشتر بر مخاطب زمینه ی گسترش و ترویج اخلاق را در جوامع فراهم آورده اند بنابراین، این تاثیر و تاثر متقابل موجب گردیده که بین اخلاق و ادبیات ارتباط تنگاتنگ و تفکیک ناپذیری پدید آید.

در ادبیات فارسی نیز بر اثر این رابطه ی متقابل آثاری فاخر و ماندگار پدید آمده است. که از نظر معنی و محتوا در قالب ادب تعلیمی قرار می گیرند . و ادب تعلیمی به آثاری اطلاق می شود که موضوع آن دانش و اخلاق است . (رزمجو ، ۱۳۷۲، ص ۷۷) و از لحاظ قالب و صورت به آثار منظوم و منثور تقسیم می شود.

در بین آثار منظوم ادبیات فارسی به عنوان آثار اخلاقی و یا آثاری که بخش گسترده ای از آنها را موضوعات اخلاقی چون پند و حکمت و وعظ و اندرز به خود اختصاص داده است ، به قطعات و کلیله و دمنه منظوم رودکی (متوفی ۳۲۹ق.)، اشعار شهید بلخی (متوفی ۳۲۵ق.)، دقیقی (متوفی ۳۲۵ق.)، ابوشکور بلخی (متوفی ۳۶۵ق.)، کسائی مروزی (متوفی اوایل قرن ۵.)، بخشهایی از شاهنامه فردوسی بویژه پایان داستانها (متوفی ۴۱۶ق.)، دیوان اشعار ناصر خسرو (متوفی ۴۸۱ق.)، سیرالعبادالی المعاد، طریق التحقیق و حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی (متوفی ۵۲۹ق.)، آثار عطار نیشابوری (متوفی ۶۱۸ق.)، آثار نظامی گنجوی (متوفی ۶۱۴ق.)، قطعات انوری ابیوردی (متوفی ۵۸۵ق.)، مثنوی معنوی مولوی (متوفی ۶۷۲ق.) ، بوستان سعدی (متوفی ۶۹۱ق.)، آثار ملک الشعرا بهار (متوفی ۱۳۳۰ش.) ، اشعار پروین اعتصامی (متوفی ۱۳۲۰ش.) و دهها اثر دیگر نیز می توان اشاره کرد. (همان، صص ۷۹-۸۳ با تلخیص) و در بین آثار منثور: جاویدان خرد ابوعلی مسکویه (متوفی ۴۲۱ق.)، قابوس نامه عنصر المعالی کیکاوس (متوفی ۴۷۵ق.)، سیاست نامه خواجه نظام الملک (۴۸۵ق.) کلیله و دمنه ترجمه ابوالمعالی نصرالله منشی (متوفی ۵۸۳ یا ۵۵۵ق.)، نصیحت الملوک و کیمیای سعادت ابوحامد محمد غزالی (متوفی ۵۰۵ق.)، گلستان سعدی (متوفی ۶۹۱ق.)، اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲ق.) و اخلاق جلالی جلال الدین محمد دوانی (متوفی ۹۰۸ق.) به عنوان نمونه های برجسته ای هستند که در موضوع مسایل حکمت عملی و اخلاق به نثر فارسی نوشته شده اند. (همان ، صص ۲۳۸-۲۳۷ با تلخیص)

حکیم ناصر خسرو قبادیانی (۴۸۱-۳۹۴ ق) در میان شاعران ایرانی ، در عرصه ی ادب تعلیمی بسیار ممتاز و پیشرو است . او به عنوان یک شاعر متعهد ، به رسالت خویش آگاه است و تلاش می کند تا با ارائه راه حل مبتنی بر شریعت راه سعادت را به انسان ها بنمایاند ، او تلاش می کند برای جامعه خود از آنچه هست به سوی آنچه باید باشد راهی بگشاید. وی جزو نخستین گویندگانی است که شعر را در خدمت اندیشه دینی و آموزه های اخلاقی قرار داده است ، بایدها و نبایدهای او که در مجموع ، جهان بینی اش را برای ما روشن می سازد، جنبه عملی دارد. او در صدد اصلاح جامعه بر اساس دین و خرد است و می کوشد تا وضع موجود را برهم زند و طرحی نو دراندازد . بنابراین برای دستیابی به این هدف، از آموزه های اخلاقی که از دیر باز مورد توجه و استفاده اندیشمندان، شاعران و نویسندگان بوده است، بهره برداری کرده است.

ناصر خسرو را باید جزء اولین شاعرانی دانست که شعر را در خدمت اندیشه های اخلاقی قرار داده اند. (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۵، ص ۳۱) اگر به دیوان او به دقت نگریسته شود و در اشعار وی تامل گردد، مشخص خواهد شد که ناصر خسرو به گونه ای به معرفی مسائل اخلاقی پرداخته است که کمتر شاعری چون او دست به چنین عملی زده است. اخلاق مورد نظر ناصر خسرو اخلاق مذهبی می باشد، یعنی اخلاقی که از اندیشه های مذهبی سرچشمه گرفته است. او با توجه به رسالتی که به عهده دارد وظیفه خود می داند که با ناهنجاریهای اخلاقی و مذهب جامعه خود به مبارزه برخیزد ، مبارزه او ستیز علیه تمامی ردایلی اخلاقی جامعه خویش است، ناصر خسرو با سلاح نصیحت و موعظه و بدگوئی از خلفا و دست نشانندگان آنان و برملا

ساختن زشتکاریهای امرا و فقهای زمان خود سعی در بیدار کردن اذهان عمومی دارد. او ناراحتی های درونی خود را از اوضاع اجتماعی زمان خود و همچنین نفرت خود را از تشکیلات سودجویانه و ریاکارانه ی امرای وقت در اشعار خویش آشکار ساخته است ، به نظر می آید که او خود را یک معلم اخلاق می داند که سعی در اصلاح جامعه دارد .

گاهی هم دیده می شود که وی مسائل اخلاقی را با طنز آمیخته است ، گویا ناصر خسرو در طرح مسائل اخلاقی همان راهی را رفته است که « سعدی » بعدها در آن قدم می گذارد با این تفاوت که سعدی نرم و مهربانانه مسائل را بیان می کند و انتقاد می کند اما ناصر خسرو با اخم و با انتقادی شدید به موضوع می پردازد.

« امر و نهی های ناصر خسرو که در مجموع جهان بینی او را تشکیل می دهد جنبه عملی دارد ، می خواهد نظم تازه ای بر روی خاک برقرارشود آنگونه که بر وفق اصل دین و خرد است تا بندگان خدا زندگی را که شایسته مقام انسانی آنهاست در پیش گیرند . در نزد او تهذیب نفس و کمال وجود ، آن جنبه انتزاعی و پیچ در پیچ که نزد گویندگان عرفان پیدا می کند ، نمی یابد از این حیث بیشتر به سعدی نزدیک است تا مثلا به عطار . » (اسلامی ندوشن ، ۱۳۵۵، ص ۳۱ و ۳۲)

او برای سخن وظیفه و رسالتی خاص قائل است. به اعتقاد او سخن جان را زنده نگه می دارد «زنده به سخن باید گشتن» وهمچنین وی معتقد است که بواسطه سخن و خرد ارزش مردم پدیدار می گردد. (یوسفی، ۱۳۵۵، ص ۶۲۱)

ناصر خسرو به معرفی ارزشهایی می پردازد که از اندیشه های دینی سرچشمه گرفته باشد، اخلاقی را مفید به حال جامعه می داند که در خدمت مذهب باشد وی خواهان یک مدینه فاضله اخلاقی می باشد که زیر بنای آن مذهب باشد . از این روی دیوان او سرشار از پند و اندرز بر پایه مذهب و حکمت است؛ به شدت « دروغ ، ریا ، حرص ، آزمندی ، خواب و خور ، دنیاپرستی و تجمل، تکبر، نادانی، ستمکاری و...» را نکوهش می کند و مردم را به زهد و طاعت و خرسندی ، مناعت طبع ، فروتنی ، دانش ، حقیقت جویی ، دادگری و نام نیک تشویق می کند و زیر بنای تمامی این ارزشهای پسندیده اخلاقی را « دین و مذهب » می داند. او فضائل اخلاقی را در میان اشعارش به بهترین و موثرترین بیان و از صمیم قلب بیان نموده است. او خواهان جامعه ای است که از هر نوع مفسد اخلاقی: آدم کشی، دزدی، رشوه خواری، خیانت، ریاکاری، چاپلوسی، باده نوشی، عیش و عشرت خالی باشد. او معتقد است چنین جامعه ای جز تحت سیطره «دین حق» که به زعم او مذهب اسماعیلی است به وجود نمی آید. (شعار ، ۱۳۷۴، صص دوازده - سیزده با تغییر)

۱-۲-۱- کلیات

۱-۲-۱- مبانی علم اخلاق

مفهوم لغوی اخلاق چیست؟ منظور از علم اخلاق، موضوع و هدف آن کدام است؟ مناسبات آن با دیگر علوم چگونه است؟ آیا اخلاق قابل تغییر است؟ متون اخلاقی با چه شیوه‌هایی نگارش یافته‌اند؟ انواع نظریه‌ها و عمده مکاتب اخلاقی مطرح کدام است؟ اینها اصلی‌ترین پرسش‌هایی است که در ابتدای ورود به مسائل علم اخلاق، فراروی ما قرار دارد. پاسخگویی درخور و شایسته به آنها موجب روشن شدن موضوع، قلمرو و جایگاه این علم خواهد شد. برای دست یافتن به شناخت اولیه از علم اخلاق، روشن شدن مفاهیم و نکات زیر ضروری است:

۱-۱-۲-۱- مفهوم لغوی واژه اخلاق

«اخلاق» جمع «خُلُق» و به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. در مقابل، «خُلُق» به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر، گفته می‌شود. (اصفهانی، راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۵۹) هم‌چنین «خُلُق» را صفت نفسانی راسخ نیز می‌گویند که انسان، افعال متناسب با آن صفت را بی‌درنگ، انجام می‌دهد. مثلاً فردی که دارای «خُلُق شجاعت» است، در رویارویی با دشمن، تردید به خود راه نمی‌دهد. این حالت استوار درونی، ممکن است در فردی به طور طبیعی، ذاتی و فطری وجود داشته باشد؛ مانند کسی که به سرعت عصبانی می‌شود و یا به اندک بهانه‌ای شاد می‌گردد. منشأهای دیگر خُلُق، وراثت و تمرین و تکرار است؛ مانند این که نخست با تردید و دودلی اعمال شجاعانه انجام می‌دهد، تا به تدریج و بر اثر تمرین، در نفس او صفت راسخ شجاعت به وجود می‌آید؛ به طوری که از این پس بدون تردید، شجاعت می‌ورزد. (ابن مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۸۴ و نراقی، محمد مهدی، ۱۳۷۹، ص ۴۱) صفت راسخ درونی، ممکن است «فضیلت» و منشأ رفتار خوب باشد و یا «رذیلت» و منشأ کردار زشت. به هر روی بدان «خُلُق» گفته می‌شود.